

Perceptions on Gender Equality, Role and Rights of Men and Women in Family among Male Domestic Violence Perpetrators: A Qualitative Study

Romina Negari-Namaghi¹, Jafar Bolhari², Shahrbanoo Ghahari^{3*}, Amir-Mohamad Safarandaghi⁴

1. Master of Public Health (MPH). Farzanegan NikAndish Institute for the development of knowledge and Technology, Tehran, Iran.
2. MD, Psychiatrist, Spiritual Health Research Center, School of Behavioral Sciences and Mental Health (Tehran Institute of Psychiatry), Iran University of Medical Sciences (IUMS), Tehran, Iran.
3. Assistant professor of clinical psychology, Department of Mental Health, School of Behavioral Sciences and Mental Health (Tehran Institute of Psychiatry), Iran University of Medical Sciences (IUMS), Tehran, Iran.
4. Master Student of mental Health, Student Research Committee, School of Mental Health & Behavioral Sciences (Tehran Institute of Psychiatry), Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

* **Corresponding Author:** Shahrbanoo Ghahari, School of Behavioral Sciences and Mental Health (Tehran Institute of Psychiatry), Iran University of Medical Sciences (IUMS), Tehran, Iran.

Email: ghahhari.sh@iums.ac.ir

Received: 10 February 2019

Accepted: 2 July 2019

Published: 27 May 2020

How to cite this article:

Negari-Namaghi R, Bolhari J, Ghahari Sh, Safarandaghi AM. Perceptions on Gender Equality, Role and Rights of Men and Women in Family among Male Domestic Violence Perpetrators: A Qualitative Study. *Salamat Ijtimai (Community Health)*. 2020; 7(3):251-64. DOI: <http://doi.org/10.22037/ch.v7i3.24262>.

Abstract

Background and Objective: Men's views on gender equality, role and rights of men and women within the family may influence the tendency for violence against woman. The objective of this study was to determine the perception of men with a history of committing domestic violence on equality, role and rights of men and women in the family in Tehran.

Materials and Methods: This study was of qualitative design and participants were selected via convenience sampling method among those who were referred to family counselor in Tehran. Data were collected using semi-structured interview and demographic questionnaire in 11 interview sessions and then analyzed.

Results: From participants' point of view, sexual, mental and emotional needs of husband and children were the most important duties of wife and providing welfare, comfort and security of family besides meeting pecuniary, mental and sexual needs of wife are underlying duties of man. More than half of participants did not believe in gender equity and had no idea about woman rights in marital relationship. Most participants did not recognize any sort of legitimate or illegitimate sexual relationship outside the bonds of marriage for married men.

Conclusion: The results of this study indicated that more than half of male perpetrators did not believe in equal rights of man and woman in family and did not have enough information about the rights of woman.

Keywords: Domestic violence; Preparatory men; Spousal abuse; Qualitative Study.

Conflict of Interest: None of the authors has any conflict of interest to disclose.

Ethical publication statement: We confirm that we have read the Journal's position on issues involved in ethical publication and affirm that this report is consistent with those guidelines.

Ethical code: IR.IUMS.REC.1396.30609.

This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

درک مردان مرتکب همسرآزاری درباره برابری، نقش و حقوق زن و مرد در خانواده: یک مطالعه کیفی

رومینا نگاری نامقی^۱، جعفر بوالهیری^۲، شهربانو قهاری^{۳*}، امیرمحمد صفرانداقی^۴

۱. کارشناسی ارشد سلامت جامعه، موسسه توسعه دانش و فن آوری فرزندان نیک اندیش، تهران، ایران.
۲. روان پزشک، مرکز تحقیقات سلامت معنوی، دانشکده علوم رفتاری و سلامت روان (انستیتو روان پزشکی تهران)، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.
۳. استادیار گروه سلامت روان، دانشکده علوم رفتاری و سلامت روان (انستیتو روان پزشکی تهران)، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.
۴. دانشجوی ارشد بهداشت روان، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم رفتاری و سلامت روان (انستیتو روان پزشکی تهران)، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول: شهربانو قهاری، گروه سلامت روان، دانشکده علوم رفتاری و سلامت روان (انستیتو روان پزشکی تهران)، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

Email: ghahhari.sh@iums.ac.ir

تاریخ دریافت: مهر ۱۳۹۷

تاریخ پذیرش: آبان ۱۳۹۷

چکیده

زمینه و هدف: دیدگاه مردان در رابطه با برابری، نقش و حقوق زن و مرد در خانواده می تواند به خشونت نسبت به زنان دامن بزند. هدف این مطالعه حاضر تعیین درک مردان مرتکب همسرآزاری از برابری، نقش و حقوق زن و مرد در خانواده بود.

روش و مواد: این پژوهش یک مطالعه کیفی بود. نمونه گیری به صورت هدفمند بود و شرکت کنندگان از میان مردان مرتکب همسرآزاری که به مراکز مشاوره خانواده در تهران مراجعه کرده بودند انتخاب شدند. در مجموع با ۱۱ مرد مرتکب خشونت مصاحبه نیمه ساختار یافته انجام شد. داده های به دست آمده از مصاحبه ها کدگذاری شدند و بعد زیرطبقات و طبقات اصلی استخراج شدند.

یافته ها: از نظر مشارکت کنندگان، تأمین نیازهای جنسی، روانی و عاطفی همسر و سپس تربیت فرزندان مهم ترین وظایف زن و تأمین رفاه مادی، آسایش و امنیت خانواده و همسر مهم ترین وظایف مرد بود. بیش از نیمی از شرکت کنندگان به برابری حقوق زن و مرد در خانواده باور نداشتند و از حقوق و مسئولیت های زن در خانواده بنابر قانون بی اطلاع بودند. اکثریت مشارکت کنندگان رابطه جنسی شرعی و غیر شرعی خارج از چهارچوب ازدواج را برای مردان متاهل جایز نمی دانستند.

نتیجه گیری: اکثریت مردان مرتکب همسر آزاری بر این باور بودند که حقوق زن و مرد در خانواده برابر نیست و از حقوق و مسئولیت های زن در خانواده از منظر قانون اطلاع کافی نداشتند.

واژگان کلیدی: همسرآزاری، خشونت خانگی، حقوق مرد، حقوق زن.

مقدمه

بر طبق تعریف سازمان جهانی بهداشت خشونت با توجه به قربانی و مرتکب به سه نوع تقسیم می شود، خشونت نسبت به خود، خشونت میان فردی و خشونت جمعی (۱). همسرآزاری نوع رایجی از خشونت بین فردی است که نسبت به زنان اعمال می شود و شامل خشونت فیزیکی، جنسی، روانی و رفتارهای کنترلی توسط همسر یا شریک زندگی است (۲). تجربه خشونت خانگی با بروز مشکلاتی مربوط به سلامت عمومی زن در تمامی ابعاد (۳-۵) مرتبط است و نه تنها بر سلامت روانی، اجتماعی و جسمی زن تأثیر می گذارد، بلکه سلامت خانواده و جامعه را نیز به خطر می اندازد (۶-۸).

آمار های جهانی نشان می دهد که تقریباً یک سوم (۳۵٪) زنان در جهان انواعی از خشونت را در رابطه با همسر تجربه می کنند که ۳۰٪ آنها توسط همسر یا شریک زندگی صورت می گیرد (۵). در سال ۲۰۱۱ در پژوهشی ملی میزان شیوع خشونت خانگی در ایران به طور متوسط ۶۶٪ تخمین زده شد (۹) که با بررسی سراسری توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در سال ۲۰۰۸، یعنی ۶۵٪، تفاوت چندانی نداشت. با وجود اینکه آمار جدیدی از همسر آزاری در دسترس نیست اما خبرگزاری ایرنا به نقل از رئیس اورژانس اجتماعی کشور از رشد ۲۰ درصدی خشونت خانگی طی پنج سال اخیر خبر می دهد. اگرچه مشخص است رشد ۲۰ درصدی فقط در حوزه همسر آزاری نبوده اما به هرحال زنگ خطر بوده و آمار نگران کننده ای است (۱۰).

مطالعات عوامل مؤثر بر همسرآزاری را ویژگی های فردی و خانوادگی، محیطی، طبقه اجتماعی زنان، قدرت مردان در بعد اقتصادی، نبود حمایت از سوی سازمان های پشتیبانی کننده از زن، نقش ضعیف رسانه ها و عدم حمایت قانون (۹)، متغیرهای جمعیت شناختی مانند بارداری، سن، تحصیلات پایین زن و تعداد بالای فرزندان می دانند (۱۱ و ۱۲).

همچنین پژوهش های دیگری نشان داده اند سن کم، سطح پایین تحصیلات، تجربه خشونت در دوران کودکی، اختلالات شخصیتی، پذیرفته بودن خشونت در ذهن فرد، سابقه سوء استفاده توسط همسر یا شریک قبلی در زندگی (۲)، اختلال اضطراب، فوبیای اجتماعی و اختلالات سوءمصرف مواد و الکل با خشونت مردان نسبت به همسر رابطه دارد (۱۳). به علاوه پژوهش ها حاکی از آن است که درک جنسیتی و نگرش مردان نسبت به زن (۱۴ و ۱۵)، درک مردان از جایگاه زن و مرد در خانواده (۱۶-۱۸) و همچنین نقشی که مرد برای خود در خانواده متصور می شود (۱۹)، و نیز درک مرد از فرهنگ جامعه ای که نگرش پدرسالارانه را به افراد القا می کند (۲۰) در اقدام به خشونت نسبت به زن نقش دارد.

دیگر پژوهش های انجام شده در کشورهای اسلامی نشان می دهد که در کشورهای اسلامی و عربی مردان خشونت نسبت به همسر خود را پاسخی مناسب در مقابل بدرفتاری های زنان می دانند و آن را برای خود یک حق می شمارند (۲۱). در تبیین آن می توان گفت که یکی از دلایل آن شریعت است که حقوق زن را نصف مرد می داند و همچنین در مندرجات قرآن کتاب دیانت اسلام حق تنبیه بدنی و لفظی زن به همسر داده شده است. از طرفی قوانین حقوقی موجود مربوط به خانواده چندان به نفع زنان نیست.

همان طور که اشاره شد در رابطه با زنان قربانی خشونت خانگی درایران مطالعات زیادی انجام شده است اما در رابطه با مرتکبین خشونت مطالعات نادر است و ما در رابطه با ویژگی های مرتکبین خشونت، دلایل اقدام آنها به خشونت و دیدگاه آنها در مورد برابری نقش و وظایف زنان در خانواده اطلاع چندانی نداریم، از این رو انجام مطالعه ای در این خصوص ضروری به نظر می رسد. هدف مطالعه حاضر تعیین درک مردان مرتکب همسرآزاری از برابری، نقش و حقوق زن و مرد در خانواده بود.

روش و مواد

مطالعه حاضر یک مطالعه کیفی است که به روش مصاحبه با پرسشنامه نیمه ساختار یافته انجام شد. جامعه مورد مطالعه کلیه مردان متأهل ایرانی ساکن شهرستان تهران بودند. روش نمونه گیری طبق مطالعات مشابه و با توجه به موضوع مورد مطالعه و شناخت جامعه، به شیوه در دسترس بود. در ابتدا برای یافتن نمونه های مناسب به مراکز مختلف زوج درمانی و پزشکی قانونی مراجعه شد. پس از صحبت با پزشکان و مشاوران مراکز مذکور و توضیح هدف پژوهش از آنها خواسته شد تا

پژوهش را برای مراجعین واجد شرایط توضیح داده و در صورت تمایل ایشان را معرفی نمایند. همچنین اطلاعاتی برای روان شناسان و سایر متخصصان سلامت روان که در این حوزه کار می کردند از طریق ایمیل و تلگرام ارسال شد. با داوطلبین تماس گرفته شده و قرار ملاقات گذاشته شد و با اکثریت آنها در مرکز مشاوره دانشگاه و معدودی در مکانی که برای فرد شرکت کننده مناسب بود، مصاحبه انجام شد. برای انجام مصاحبه نیمه ساختار یافته یک راهنما که در برگیرنده پرسش های اصلی هر مصاحبه بود، بر اساس اهداف مطالعه، مرور متون و یا توجه به نظر هفت متخصص در رشته های گوناگون روانپزشکی، روانشناسی بالینی، مددکاری، روانشناسی سلامت طراحی شد. اطلاعات دموگرافیک شرکت کنندگان نیز به طور جداگانه در پرسشنامه هر مشارکت کننده ثبت شد. در هر جلسه ابتدا سؤالات دموگرافیک و بعد سؤالات مصاحبه عمیق به صورت شفاهی و با زبان غیر رسمی پرسیده می شد. در ابتدای هر مصاحبه برای ضبط صدا از شرکت کننده اجازه گرفته می شد و در صورت رضایت، صدا ضبط می شد. در غیر این صورت تا جایی که ممکن بود مصاحبه ها توسط پرسشگر ثبت می گردید. مصاحبه ها بیشتر با یک سوال شروع می شد که طی آن از فرد خواسته می شد تجربه خودش را از اتفاقی که بین وی و همسرش افتاده و به زعم متخصصان خشونت است، بیان کند. در هنگام شرح مآوقع تلاش می شد با سؤالات کوتاه صحبت ها به سمت هدف مطالعه هدایت شود برای مثال پرسیده شود به نظرت همسرت در زندگی و خانواده چه حقوقی دارد یا دیدگاهت درباره حقوق خودت چیست؟ به طور کلی میانگین زمانی هر مصاحبه ۳۰ دقیقه بود. لازم به ذکر است برای دقت در گردآوری داده ها، مصاحبه توسط افرادی انجام شد که قبلا آموزش دیده بودند و از اهداف طرح آگاه بودند. در مجموع با یازده نفر مصاحبه شد تا داده ها به حد اشباع رسید.

ملاک های ورود به این پژوهش سکونت در شهرستان تهران، گذشت حداقل یک سال از زندگی زناشویی، حداقل سواد خواندن و نوشتن، دارا بودن سابقه ای از خشونت خانگی که توسط پزشکی قانونی یا مشاور خانواده یا روان پزشک تایید شده باشد، عدم ابتلا به اختلالات روانی شدید مانند سایکوز، عدم مصرف مواد و رضایت از شرکت در مطالعه بود. معیارهای اصلی برای خروج از مطالعه شامل بی سواد بودن، عدم سکونت در شهرستان تهران، عدم تمایل به شرکت در مطالعه مطلقه بودن، عدم وجود سابقه خشونت خانگی به تایید پزشکی قانونی یا مشاور خانواده، و یا روان پزشک می شد.

ملاحظات اخلاقی پژوهش به این صورت بود که ابتدا مصاحبه گر توضیح مختصری در رابطه با اهداف پژوهش به هر شرکت کننده ارائه و توضیح می داد که در صورت تمایل می توانند در پژوهش شرکت کنند. همچنین به آنها اطمینان داده می شد که در هر زمانی که خواستند می توانند پژوهش را ترک کنند یا به هر سوالی که مایل نیستند، پاسخ ندهند. به علاوه مصاحبه گر در ابتدای هر مصاحبه، شرکت کننده را مطمئن می کرد که کلیه اطلاعات ایشان محرمانه خواهد بود و بدون ذکر نام و تنها در پژوهش حاضر از آنها استفاده خواهد شد. پس از ارائه این توضیحات به هر شرکت کننده قبل از آغاز مصاحبه فرم رضایت آگاهانه شرکت در پژوهش ارائه شد و شرکت کننده در صورت تمایل به شرکت در مطالعه آن را امضا می نمود. پس از انجام هر مصاحبه در کوتاه ترین زمان صدای ضبط شده، به متن تبدیل شد. با مطالعه متن ها، پاسخ ها بر اساس شباهت ها و تفاوت ها کدگذاری شدند. از بین داده های کدگذاری شده، ابتدا زیرطبقه ها و بعد طبقه های اصلی استخراج شد. برای اطمینان از صحت کدگذاری و تاییدپذیری، داده ها علاوه بر پژوهشگر اصلی توسط دو تن از اعضای هیات علمی مورد بررسی و نتایج استخراج شده مورد تایید آنها قرار گرفت.

یافته ها

در این مطالعه در مجموع با ۱۱ نفر مصاحبه شد که میانگین (انحراف معیار) سن مصاحبه شوندگان (۷/۳) ۳۶/۱ سال بود. جوان ترین فرد ۲۲ سال داشت و مسن ترین شرکت کننده ۴۹ ساله بود. میانگین (انحراف معیار) مدت زمان ازدواج در این افراد (۶/۱) ۹/۵ سال بود که بیشترین مدت زمان ۲۲ سال و کمترین آن سه سال بود. تفاوت سنی همسران در این مطالعه به این صورت بود که در بیشترین حالت مرد ۱۲ سال از همسر خود بزرگتر بود و در کم ترین حالت هفت ماه از همسر خود کوچک تر بود. محل سکونت شرکت کنندگان در این مطالعه منطقه ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۱۱، ۱۲، ۱۷ و ۲۲ شهرداری تهران بود.

تعداد فرزندان شرکت کنندگان از صفر تا سه نفر متغیر بود، به صورتی که ۳۶/۴٪ یک فرزند داشتند و ۲۷/۳٪ دو فرزند داشتند و ۹/۱٪ سه فرزند داشتند. همه شرکت کنندگان اولین بار بود که ازدواج کرده بودند.

جدول شماره ۱- مشخصات مشارکت کنندگان در مطالعه

کد	سن (سال)	مدت ازدواج (سال)	تعداد فرزندان	سطح تحصیلات
۱	۳۷	۸	۱	دیپلم و فوق دیپلم
۲	۲۲	۳	۰	زیر دیپلم
۳	۴۰	۱۲	۱	لیسانس و بالاتر
۴	۳۳	۵	۰	لیسانس و بالاتر
۵	۵۷	۲۶	۳	زیر دیپلم
۶	۴۳	۱۵	۲	دیپلم و فوق دیپلم
۷	۳۴	۱۳	۲	زیر دیپلم
۸	۳۵	۵	۰	لیسانس و بالاتر
۹	۴۹	۱۴	۱	لیسانس و بالاتر
۱۰	۳۲	۴	۲	لیسانس و بالاتر
۱۱	۴۳	۲۱	۱	لیسانس و بالاتر

درک شرکت کنندگان از نقش و وظایف زن و مرد در خانواده

در درک شرکت کنندگان از نقش و وظایف زن در مجموع ۱۰ بار به تأمین نیازهای همسر اشاره شد و ۳۸/۵٪ پاسخ‌های مرتبط با این حوزه را شامل می‌شد. البته به نیازهای روانی و عاطفی اشاره بیشتری شده بود. اشاره به تأمین نیازهای همسر دو طیف داشت، بعضی از مردها این را وظیفه‌ای دو طرفه می‌دانستند و باور داشتند که مرد و زن هر دو موظف هستند به نیازهای عاطفی و روانی همسر خود توجه نموده و درصدد رفع آن باشند اما در میان افرادی هم بودند که فقط زن را موظف به تأمین نیازهای عاطفی و روانی مرد می‌دانستند و در قبال آن مرد را موظف به تأمین نیازهای مادی بیشتر می‌دانستند. در مورد تأمین نیازهای عاطفی و روانی به عشق ورزیدن به همسر، ایجاد جو و فضای عاطفی و راحت، کمک به کاهش دغدغه‌های همسر و توجه به نیازهای مرد، خدمت به همسر و درک او در شرایط سخت و دشوار زندگی و احترام به روابط زن و شوهری از جمله مواردی بود که در گفته‌ها به آن اشاره شده و در این طبقه جای داده شد. شرکت کننده کد ۱ بیان کرد: "زن وظیفه داره شوهرش رو درک کنه، وقتی خسته است یا شرایط کاریش سخته بهش آرامش بده".

مراقبت و تربیت فرزندان نیز از جمله وظایف زن ذکر شد که با شش بار تکرار پس از تأمین نیازهای همسر بیشترین تکرار در گفته‌ها را به عنوان وظیفه زن داشت (۲۳/۱٪). تأمین رفاه و امنیت خانواده مقوله دیگری بود که ذکر شد و در آن شرکت کنندگان اشاره به کمک زن به اقتصاد خانواده، کار در خارج از منزل و داخل منزل، کمک به پیشرفت زندگی و تقسیم و تفکیک وظایف بین زن و شوهر داشتند.

در مجموع تأمین رفاه و امنیت خانواده به عنوان وظیفه زن، پنج بار در گفته‌ها تکرار شد. چند تن از شرکت کنندگان معتقد بودند زن باید در کنار مرد برای تأمین رفاه و امنیت خانواده تلاش کرده و به پیشرفت خانواده کمک نماید که شامل کمک به اقتصاد خانواده نیز می‌شد. یکی از شرکت کنندگان (کد ۹) بیان می‌کرد: "امروز دنیا تغییر کرده است و زن‌ها هم باید در کنار مردان کار کنن. باید از نظر اقتصادی فعال باشن".

مدیریت خانواده به عنوان وظیفه زن در خانواده سه بار تکرار شد. دو تن از شرکت کنندگان با اشاره مستقیم نقش مدیریتی زن در خانواده را مطرح کردند و فردی نیز با بیان اینکه "یکی از وظایف زن ایجاد آسایش و نظم در خانواده برای پیشرفت تک تک اعضای آن است" به این مورد اشاره نمود. شرکت کننده کد ۱ زن را مدیر خانواده دانسته و از او به عنوان "ستون

خانواده" یاد می کرد. شرکت کننده کد ۱۰ بیان کرد: "نه تنها زن مدیریت ارتباط و آسایش تو خونه رو برعهده داره، می تونه در ارتباط اعضای خانواده با هم و با بقیه فامیل هم خیلی مؤثر باشد."

شرکت کننده کد ۲ بیان کرد "همسر من باید هر کاری من میگویم انجام بده و آنطوری که من دوست دارم رفتار کنه و لباس بپوشه. با کسانی که من دوست دارم رفت و آمد کنه. زن من از من حرف شنوی نداره". بنابراین اطاعت همسر با یک بار تکرار در گفته ها به عنوان وظیفه زن در خانواده در نظر گرفته شد.

شرکت کننده شماره ۱۰ بسیار تاکید داشت که وظایف زن و مرد بنا به زمان تعیین می شود برای مثال وی بیان می کرد: "امروز در خانواده ای مثل خانواده ما وقتی زن و مرد هر دو خارج از خونه کار می کنن دلیلی نداره که زن وظایف خاصی که در گذشته تو خونه بهش نسبت می دادن رو انجام بده. کارهای خونه هم باید تقسیم بشه." (جدول شماره ۲)

شرکت کنندگان معتقد بودند مرد نیز در قبال همسر خود وظایفی دارد. او موظف است برای رفع نیازهای گوناگون او شامل مادی، عاطفی-روانی و جنسی تلاش کند (۱۶ بار تکرار در گفته ها و ۴۴٪ گفته های مرتبط با این موضوع)، البته که بیشتر شرکت کنندگان تأمین نیازهای مادی زن را وظیفه مهم مرد می شمردند. شرکت کننده کد ۲ بیان می کرد: "او باید در عوض اینکه زنش ازش اطاعت میکنه و آن جوری که دوست داره رفتار می کنه، تا جایی که درآمدش اجازه می ده هرچه زنش می خواد رو براش بخره" البته ایشان درآمد بالایی نداشتند.

یکی دیگر از مصاحبه شوندگان (کد ۱۱) معتقد بود که "زن برای خدمت به مرد آفرید شده. زن و مرد برابر نیستند. مرد موظف است در قبال خدمتی که زنش بهش میکنه هرچیزی که زنش از نظر مادی به اون نیاز داره یا برای آن تلاش می کنه براش تهیه و تدارک ببینه. مرد در قبال خانواده هم وظیفه داره رفاه و امنیت خانواده رو تأمین کنه". بیش از نیمی از شرکت کنندگان باور داشتند تأمین رفاه و امنیت خانواده بر عهده مرد خانواده است (۱۰ بار تکرار در گفته ها). تأمین اقتصادی و امنیت روانی برعهده مرد است و او موظف است برای راحتی همه اعضای خانواده تلاش کند. در میان اشاره به تأمین رفاه از طریق شغل آبرومند و تعهد به رفاه خانواده نیز از جمله مواردی بود که ذکر گردید. از جمله وظایف مرد حمایت خانواده با چهار بار تکرار در گفته ها ذکر گردید.

شرکت کننده کد شماره ۹ بیان می کرد: "مرد باید از همسر و فرزندانش حمایت کنه و در زمانی که نیاز است در کنار زنش در خونه کار کنه." در مورد تربیت فرزندان کمک به مراقبت و تربیت فرزندان ذکر گردید یعنی در صورتی که وظیفه اصلی برعهده زن است اما مرد نیز باید در این جهت همراهی و کمک نماید (دو بار تکرار در گفته ها). مورد دیگری که نزدیک اما متفاوت با این موضوع طبقه بندی شد مراقبت از همسر بود. در میان مصاحبه ها مواردی مراقبت از همسر را وظیفه مرد می دانستند. از آنجایی که به نظر می رسید مراقبت به گونه ای افراطی مد نظر است، به آن کد جداگانه اختصاص داده شد. دوتن از شرکت کنندگان معتقد بودند وظیفه مرد است که بداند همسرش با چه کسانی رفت و آمد می کند و به چه مکان هایی می رود. ایشان این نوع کنترل را مراقبت از همسر خود می دانستند. تلاش برای پیشرفت و تعالی خانواده نیز از جمله وظایف مرد در خانواده ذکر شد (جدول شماره ۲).

در میان پاسخ ها به این موضوع اشاره شده بود که زن و مرد مکمل یکدیگر هستند و باید در صدد تکمیل نقش ها و وظایف یکدیگر اقدام نمایند. شرکت کننده کد ۸ بیان کرد: "زن و شوهر نیمه گمشده هم هستند و با هم تکمیل میشن". همچنین شرکت کننده کد ۱۰ بیان کرد: "در حال حاضر نقش مرد و زن بسیار به یکدیگر نزدیک شده است. هر دو مجبور هستن بیرون خونه و همزمان تو خونه کار کنن." و حتی معتقد بود در این زمان نقش ها یکی شده است.

جدول ۱ شماره ۲- درک مشارکت کنندگان از نقش و وظایف در خانواده

جنس	طبقات	(درصد) تعداد	زیر طبقات
زن	تأمین نیازهای همسر	۱۰ (۳۸/۵)	نیازهای جنسی محبت و عشق ورزیدن ایجاد جو و فضای عاطفی و راحت کمک به کاهش دغدغه کاری مرد درک مرد در شرایط سخت خدمت به همسر احترام به روابط زن و شوهری
	مراقبت از فرزندان	۶ (۲۳/۱)	پرورش فرزند خوب کمک به رشد فرزندان تربیت فرزندان ایفای نقش مادری
	تأمین رفاه و امنیت خانواده	۵ (۱۹/۲)	کمک به اقتصاد خانواده کار در خانه و بیرون، کار مثل مرد کمک به به پیشرفت زندگی انجام کارهای منزل تفکیک و تقسیم وظایف بین زن و مرد
	مدیریت خانواده	۳ (۱۱/۵)	ستون خانواده ایجاد محیط آرام در منزل (محیط آرام برای رشد فرزندان و برای آرامش شوهر)
مرد	اطاعت از همسر	۱ (۳/۸)	پوشیدن لباس مطابق میل همسر
	وظایف گوناگون و متغیر بنا به زمان	۱ (۳/۸)	انجام وظایف گوناگون و متغیر بنا به زمان
	تأمین نیازهای گوناگون همسر	۱۵ (۴۴/۱)	تأمین نیازهای مادی همسر احترام به زن تأمین امنیت روانی انجام وظایف زناشویی
	تأمین رفاه و امنیت خانواده	۱۰ (۲۹/۴)	تأمین رفاه خانواده تأمین آرامش خانواده
	حمایت خانواده	۴ (۱۱/۸)	حمایت از خانواده حمایت از همسر و فرزندان کمک به کار در منزل در زمانی که همسرش شاغل است کمک در کارهای منزل
	کمک به مراقبت و تربیت فرزندان (تأمین سلامتی فرزندان)	۲ (۵/۹)	کمک به تربیت فرزندان فراهم آوردن شرایط آرام برای رشد فرزندان، تربیت و سلامتی
	مراقبت و نظارت	۲ (۵/۹)	مراقبت از همسر کنترل رفتارهای همسر در تمامی اوقات
	تلاش برای تعالی خانواده	۱ (۲/۹)	باز کردن راه تعالی خانواده

درک شرکت کنندگان از حقوق زن و مرد در خانواده

در مجموع تأمین نیازهای مادی، روانی و عاطفی زن در خانواده در میان سخنان شرکت کنندگان بیشترین تکرار را با فراوانی ۲۴ بار داشت. در واقع اکثر شرکت کنندگان یعنی هشت نفر، به طور مستقیم تأمین نیازهای مادی و آسایش اقتصادی را حق زن در خانواده می دانستند. بعد از آن به تأمین نیازهای روانی و سپس جنسی اشاره داشتند. شرکت کنندگان با بیان عبارتی مانند اینکه "زن حق دارد تو خونه آسایش داشته باشه (کد ۷)" یا "باید از نظر عاطفی و احساسی زنت رو تأمین کنی (کد ۴)"، "باید به زن در خانواده احترام گذاشت (کد ۱۰)"، "باید ازش بابت زحماتی که می کشه تشکر کرد (کد ۳)" و یا "باید به زنت توجه داشته باشی و حواست بهش به نیازهاش باشه... (کد ۹)" و همچنین "باید به زن محبت کرد (کد ۱ و ۶)"، به تأمین نیازهای عاطفی زن به عنوان یکی از حقوق وی اشاره داشتند. قدردانی، حمایت، محبت، داشتن توجه همسر، احترام و آسایش از جمله مواردی بود که به عنوان زیرطبقات نیازهای روانی زن در نظر گرفته شد. داشتن حق پیشرفت شخصی پس از ازدواج با فراوانی سه بار، عمل کردن مرد به تعهدات و توافقات پیش از ازدواج با دو بار تکرار و حق تصمیم گیری با یک بار تکرار سایر حقوقی بود که برای زن در خانواده ذکر گردید (جدول شماره ۳).

تأمین نیازهای عاطفی و جنسی مرد توسط همسر با بیشترین تکرار در گفته ها (۷۲/۷٪) از گفته های مرتبط با حق مرد در خانواده) به عنوان اصلی ترین حق مرد در خانواده در نظر گرفته شد که به صورت مختلف از جمله داشتن محبت، آسایش، برخورداری از احترام، حمایت همسر، عشق و درک متقابل ذکر گردید. شرکت کنندگان اشاره کردند که زن باید در منزل فضای آرامی را مهیا کند تا مرد وقتی پس از کار به منزل می آید در محیط منزل احساس آسایش داشته باشد. اطاعت از مرد (۹/۱٪) از گفته های مرتبط با حقوق مرد) از جمله حقوق وی بیان شد. دوتن از شرکت کنندگان اشاره کردند که این حق مرد در خانواده است که همسرش از وی اطاعت کند. شرکت کننده کد ۱۰ بیان کرد: "زن نباید کاری کنه که غیرت مرد شعله ور بشه، باید به عقایدش احترام بذاره و در چهارچوبی که میگه رفتار کنه". تصمیم گیری نیز از جمله حقوق مرد نیز ذکر شد (جدول شماره ۳).

بیش از نیمی حقوق زن و مرد را برابر نمی دانستند (۵۴/۵٪ شرکت کنندگان). این افراد معتقد بودند زن و مرد از نظر جسمی، ظاهری، عاطفی و روانی و حتی چگونگی عملکرد متفاوت هستند پس نمی توان حقوق برابری برای ایشان در نظر گرفت. عده ای از شرکت کنندگان حقوق مرد را بالاتر در نظر می گرفتند برای مثال شرکت کننده شماره ۲ می گفت: "زن و مرد با هم یکی نیستن و همیشه همان کارهایی که من می کنم زنم هم انجام بده، مثلاً من تا نصفه شب بیرونم اون که نباید بیرون باشه و نمیتونه". شرکت کننده کد ۹ گفت: "به نظر من صرف نظر از اسلام و قرآن زن برای خدمت به مرد آفریده شده. زن باید به مرد خدمت کنه و بستر پیشرفت اونو فراهم کنه که مرد بتونه رفاه و آسایش رو برای خانواده فراهم کنه". شرکت کننده کد ۶ نیز بیان کرد: "زن مرد به نظر من برابر نیستن تفاوت دارن با هم من خودم درسی که خوندم زیست شناسی بوده زن و مرد توی مسائل زیستی هم با هم فرق دارن از این بگذریم مرد و زن اگه برابر باشن می تونن جاشون با هم عوض کنن ولی در واقعیت میشه مرد بشینه خونه و زن بره بیرون کار کنه. منظورم این نیست که یکی بهتر و اون یکی بدتر، زن ضعیفه و ممکنه توی جامعه توی کارای سخت اذیت بشه، و بقیه اذیتش کنن هر دو به یک اندازه حقوق دارن از زندگی کردن ولی مدل فرق داره، زن باید باهاش لطیف باشیم باهاش مهربون باشیم و منطقی نیست که بگیم برابرن". اما در میان افرادی که به نابرابری حقوق زن و مرد معتقد بودند شرکت کننده کد ۶ تأکید بر برخورد عادلانه داشت. وی تأکید داشت "اگرچه زن و مرد باهم برابر نیستن اما باید با هر کدوم عادلانه برخورد بشه". از سوی دیگر کمتر از نیمی از شرکت کنندگان حقوق برابر برای مرد و زن در خانواده در نظر می گرفتند. البته چندی از شرکت کنندگان این برابری را بنا به زمان می دانستند و بیان می کردند که در حال حاضر زمان تغییر کرده است و باید این برابری را در نظر گرفت اما افراد کمتری نیز فارغ از زمان معتقد به حقوق برابر برای زن و مرد در خانواده بودند (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۳- درک مشارکت کنندگان از حقوق زن و مرد در خانواده

موضوع	طبقات	(درصد) تعداد	زیرطبقات
حقوق زن در خانواده	تأمین نیازهای زن توسط مرد	۲۴ (۸۰)	نیازهای مادی (۸) تأمین نیازهای روانی - داشتن آسایش روح و روان - تأمین از لحاظ عاطفی - برخورداری از حس احترام - قدردانی - حمایت - داشتن توجه همسر - محبت
تأمین نیازهای جنسی زن			
حقوق مرد در خانواده	داشتن آزادی های فردی برای رشد و پیشرفت	۳ (۱۰)	- داشتن آزادی فردی - حق تحصیل - داشتن حق برابر با همسر برای ابراز عقاید و علایق
	حق برخورداری از تعهدات پذیرفته شده از جانب مرد	۲ (۶/۷)	- عمل مرد به تعهداتش که بسته به خانواده متفاوت است و حقوق متفاوتی برای زن به همراه دارد - رعایت توافقات پیش از ازدواج توسط مرد
	تصمیم گیری	۱ (۳/۳)	داشتن حق مدیریتی و تصمیم گیری و تصمیم سازی در خانواده
	تأمین نیازها عاطفی - روانی و جنسی توسط زن	۱۶ (۷۲/۷)	برخوردار شدن از محبت، آسایش، آرامش، احترام، حمایت، عشق و درک از طرف زن (۱۴) توجه به نیازهای مرد، تأمین نیازهای مرد توسط همسر (۲)
	اطاعت	۲ (۹/۱)	عمل به حرف ها و خواسته های مرد، حفظ چارچوب اعتقادی مرد و عدم شعله ور کردن غیرت
	برخورداري از حس اعتماد خانواده	۲ (۹/۱)	برخورداري از حس اعتماد همسر و خانواده
	تصمیم گیری	۱ (۴/۵)	حق تصمیم گیری و تصمیم سازی
	حق برخورداری از تعهدات پذیرفته شده از جانب زن	۱ (۴/۵)	عمل کردن زن به تعهداتش
	برابری زن و مرد در خانواده	۶ (۵۴/۵)	عدم امکان انجام کارهای یکسان توسط زن و مرد وجود تفاوت بین زن و مرد در همه جنبه ها، عدم برابری در آفرینش و آفریده شدن زن به جهت خدمت به مرد
	حقوق برابر زن و مرد	۵ (۴۵/۵)	اعتقاد به برابری

درک شرکت کنندگان از حقوق و مسئولیت های زن در قانون

بیش از نیمی از شرکت کنندگان (۷ نفر از ۱۱ نفر) هیچ اطلاعی از حقوق و مسئولیت های زن در خانواده از منظر قانون نداشته و ترجیح می دادند به این سؤال پاسخ ندهند. در مجموع فقط ۴ نفر به این پرسش پاسخ دادند. تنها یک شرکت کننده بنا به رشته ای تحصیلی اش از موارد حقوقی مطلع بود و از توافقات بین زوجین پیش از ازدواج نام برد که جز حقوق هر دو فرد محسوب می شود. سایر شرکت کنندگان عمدتاً فقط از مهریه، شیربها و نفقه به عنوان حق زن نام می بردند که

تکرار این موارد هم محدود بود (مهریه چهار بار و نفقه و شیربها هرکدام یک بار). در مجموع فقط دو نفر در مورد مسئولیت های زن در قانون صحبت کردند که یک نفر ایشان فردی بود که حقوق خوانده بود. این دو فرد در مجموع مواردی مانند تمکین از مرد (یک بار)، فرزندآوری (یک بار) و بودن در منزل همسر (یک بار) و عمل به تعهدات مقرر شده پیش از ازدواج (یک بار) را به عنوان مسئولیت ها ذکر کردند. در مجموع ۶۶/۷٪ از سخنان شرکت کنندگان درباره حقوق و مسئولیت های زن در خانواده از منظر قانونی مربوط به حقوق زن بود و ۳۳/۳٪ مسئولیت های او را بیان می کرد.

جدول شماره ۴- درک مشارکت کنندگان از حقوق و مسئولیت های قانونی زن

موضوع	طبقات	تعداد (درصد)	زیر طبقات
حقوق و مسئولیت های زن در خانواده	حقوق زن در قانون	۸ (۶۶/۷)	مهریه شیربها نفقه عمل به تعهدات مقرر شده پیش از ازدواج توسط مرد
مسئولیت های زن در قانون	مسئولیت های زن در قانون	۴ (۳۳/۳)	بچه بیاورد سالم باشد و در خانه مرد زندگی کند تمکین عمل به تعهدات مقرر شده پیش از ازدواج توسط همسر

درک شرکت کنندگان از رابطه جنسی خارج از چارچوب ازدواج

اکثریت افراد معتقد به ایجاد رابطه جنسی خارج از چارچوب ازدواج نبودند (۱۰ نفر از ۱۱ نفر). فقط یک نفر از مردان مرتکب خشونت، داشتن رابطه جنسی خارج از چارچوب ازدواج و به واسطه صیغه را درست می دانست. شرکت کننده کد ۶ بیان می کرد: "نمیدونم حتما اونی که میره زن دوم میگیره یه اشکالی تو زندگیش بوده، بهتره اگه مسئله جنسی صیغه کنن نه ازدواج". در مجموع فقط چهار بار درباره دلایل رابطه خارج از چارچوب ازدواج سخن گفته شد که علل شخصی از جمله عدم قائل شدن ارزش برای ازدواج و برای خود، دو بار به عنوان دلیل رابطه جنسی خارج از چارچوب ازدواج بیان شد (۵۰٪). شرکت کننده کد ۷ بیان می کرد: "وقتی فردی برای خودش، انتخابش و چارچوبی که انتخاب کرده ارزشی قائل نمی شه رابطه جنسی خارج از ازدواج داره". فرد دیگری رابطه خارج از چارچوب ازدواج را ناشی از علل بین فردی شامل نارضایتی جنسی و عاطفی از همسر می دانستند. (۲۵٪ گفته ها درباره دلایل رابطه جنسی خارج از چارچوب ازدواج). شرکت کننده کد ۱ بیان کرد: "برمیگرده به نظرم به مشکلات جامعه که اگر زن مرد رو نتونه از لحاظ جنسی و عاطفی تأمین کنه میره با یک زن دیگه". (۲۵٪ گفته ها درباره دلایل رابطه جنسی خارج از چارچوب ازدواج). شرکت کننده کد ۱۰ بیان می کرد "رابطه جنسی خارج از چارچوب ازدواج شرایطش کاملاً متفاوت با ازدواج هس چون در رابطه خارج از ازدواج افراد تعهد طولانی مدت نسبت به هم ندارن خیلی از مسائل راحت تر حل میشه و میگذره، همین دلیلی میشه که روابط کوتاه مدت باعث نارضایتی فرد در ازدواجش هم بشه."

جدول شماره ۵- درک مشارکت کنندگان از علل رابطه خارج از چارچوب ازدواج

موضوع	طبقات	تعداد (درصد)
رابطه جنسی خارج از چارچوب ازدواج	علل فردی (فقدان احترام به خانواده و عدم قائل شدن ارزش برای خویش)	۲ (۵۰)
	علل بین فردی (نارضایتی جنسی و عاطفی از همسر)	۱ (۲۵)
	علل اجتماعی (تغییر هنجارها و ارزش های جامعه)	۱ (۲۵)

بحث

مطالعه نشان داد مهم ترین وظیفه زن و مرد در خانواده از نظر شرکت کنندگان، تأمین نیازهای همسر با بیشترین تکرار در گفته ها، بود. همچنین در مورد حقوق زن و مرد در خانواده نیز بیشترین تکرار در گفته ها مربوط به تأمین نیازهای همسر در خانواده بود. بنابراین مهم ترین حقی که برای زن و مرد در خانواده در نظر گرفته می شد با وظیفه ایشان مطابقت داشت. در مجموع بیش از نیمی از شرکت کنندگان (۶ نفر از ۱۱ نفر) به برابری حقوق زن و مرد در خانواده اعتقاد نداشتند. تقریباً اکثریت شرکت کنندگان از مسئولیت ها و حقوق زن در قانون اطلاعی نداشتند. همچنین اکثریت افراد (۱۰ نفر از ۱۱ نفر) رابطه خارج از چارچوب ازدواج را صحیح نمی دانستند.

مطالعه حاضر نشان داد از نظر شرکت کنندگان اگرچه تأمین نیازهای فرد توسط همسر مهم ترین حق هر یک از زوجین بود، اما تأمین نیازهای مادی حق زن و وظیفه مرد بود. در مورد حقوق مردان تأمین نیازهای عاطفی و جنسی ایشان مطرح شد. این درک مردان از حق تأمین نیازهای مادی زن با حکم قانون و شرع درباره نفقه همخوانی دارد (۲۲).

یافته های این مطالعه نشان داد مرتکب خشونت خانگی مراقبت از فرزندان را وظیفه زن در خانواده می دانستند و در مورد مردان وظیفه همراهی و کمک را ذکر کردند. مطالعه راهکار فرشی و همکاران که در سال ۲۰۱۸ در ایران به بررسی درک والدین نسبت به وظایف مادر و پدر بر رشد نوجوان پرداخت نیز نشان داد، بنا بر درک هر دو فرد (مادر و پدر) مراقبت از فرزندان وظیفه مادر است. مطالعه فرشی و همکاران نشان داد مردان شرکت کننده در مطالعه حاضر درکی همسو با سایر مردان جامعه داشته اند (۲۳).

همچنین شرکت کنندگان در این مطالعه مسئولیت انجام کارهای منزل را از جمله وظایف زنان در منزل می دانستند. مطالعه Chesters در سال ۲۰۱۴ نشان می دهد که درک مردان نسبت به برابری جنسیتی در میزان زمانی که ایشان برای کارهای منزل در نظر می گیرند، تأثیر می گذارد. با توجه به اینکه در مطالعه حاضر نیز بیش از نیمی از مردان به برابری جنسیتی در خانواده باور نداشتند و همچنین انجام کارهای منزل را وظیفه زن در خانواده می دانستند، نتایج این مطالعه با مطالعه Chesters همسو است (۲۴).

همچنین مطالعه تنهایی و پناهی در سال ۲۰۰۹ نشان داد که اعتقاد به برابری زن و مرد بر چگونگی توزیع وظایف در خانواده مؤثر است. خانواده هایی که به برابری اعتقاد دارند، مشارکت بیشتری از سوی مردان در امور خانه دیده می شود و دیدگاه قالبی کمتری نسبت به زن یا مرد کمتر بوده و در نتیجه خشونت هم کمتر است (۱۶).

مطالعه Sumbadze در جورجیا نشان داده است عدم توجه به فرزندان، نزاع با همسر، سوزاندن غذا، امتناع از رابطه جنسی و ترک منزل بدون اجازه شوهر، موارد برانگیزاننده خشونت نسبت به زنان بودند (۱۸). در این مطالعه نیز شرکت کنندگان که مردان مرتکب همسرآزاری بودند، مراقبت از فرزندان و رفتار مطابق میل همسر را از جمله وظایف زنان بیان کردند. با این وجود، برای رسیدن به این نتیجه که مردان مرتکب خشونت خانگی در تهران نیز به علت عدم انجام وظایفی که ایشان برای همسرانشان متصور هستند، مرتکب خشونت شده اند، نیازمند بررسی بیشتر است.

بیش از نیمی از شرکت کنندگان تفاوت های جسمی و ظاهری زن و مرد را دلیلی برای عدم برابری حقوق زن و مرد در خانواده می دانستند و معتقد بودند زنان حقوق کمتری از مردان دارند و باید هم اینطور باشد. عده ای هم که به برابری حقوق زن و مرد در خانواده معتقد بودند، زمان را عامل برابری می دانستند و معتقد بودند در دنیای کنونی بنا بر پیشرفت حاصل شده، برابری لازم است.

مطالعه Bendall در سال ۲۰۱۰ نیز نشان داد که باورهای فرهنگی نابرابری زن و مرد را تقویت می کنند و برانگیزاننده خشونت نسبت به زنان هستند و حتی زنان را مسئول و مقصر خشونت روی داده می دانند (۲۵). همسو با مطالعه بالا Tracy نشان داد که نابرابری جنسیتی به ویژه در مواردی که مرد برتر از زن تلقی می شود احتمال خشونت نسبت به زنان افزایش می یابد (۲۶). به علاوه بین هنجار فرهنگی پدرسالارانه و نابرابری جنسیتی با خشونت شریک زندگی نسبت به زن ارتباط

وجود دارد (۲۷). مطالعات در ایران نیز نشان دادند که بین خشونت نسبت به زن در خانواده با فرهنگ مردسالارانه ارتباط معنی داری وجود دارد (۲۸ و ۲۹).

در این مطالعه تعداد محدودی از مردان مرتکب همسرآزاری، درکشان را از حقوق و مسئولیت های زن در قانون بازگو کردند که منطبق بر قانون خانواده و مفروضات عرفی در این خصوص بود. اما اکثر شرکت کنندگان اطلاعات جامعی در مورد حقوق و تکالیف زن در خانواده از منظر قانون نداشتند. بر طبق ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی بعد از ازدواج، زن و شوهر تعدادی وظایف مشخص و مشترک دارند که شامل "سکونت مشترک، حسن معاشرت، معاضدت در تحکیم خانواده و تربیت فرزند و وفاداری زوجین" است، همچنین وظیفه زن در خانواده شامل تکمین (عام و خاص) و سکونت در منزل شوهر می باشد (۲۲) که مشارکت کنندگان از آن ها اطلاعی نداشتند. مطالعه شهریاری و همکاران در میان دانشجویان دانشگاه فردوسی نیز نشان داد که حتی در این قشر از جامعه آگاهی افراد از حقوق اساسی نیز وضعیت مناسبی ندارد (۳۰).

نتیجه گیری

مطالعه نشان داد که مردان مرتکب همسرآزاری تأمین نیازهای همسر را مهم ترین وظیفه و حقوق زن و مرد در خانواده می دانستند. بیش از نیمی از شرکت کنندگان به برابری حقوق زن و مرد در خانواده معتقد نبودند و برای مردان حقوق بیشتری قائل می شدند. اکثریت شرکت کنندگان در مورد مسئولیت ها و حقوق زن در خانواده از منظر قانون اطلاعی نداشتند. به علاوه، این مطالعه نشان داد در این زمان اکثریت شرکت کنندگان رابطه جنسی خارج از ازدواج را صحیح نمی دانستند و حتی اگر رابطه خارج از چارچوب ازدواج داشتند سعی در مخفی کردن موضوع کرده و تلاش نمی نمودند آن را توجیه کنند.

محدودیت ها

همکاری ضعیف شرکت کنندگان و روش نمونه گیری در دسترس دو محدودیت عمده مطالعه بودند.

پیشنهادهای

با توجه به نتایج مطالعه حاضر ضروری است دیدگاه زنان ایرانی درباره برابری جنسیتی، نقش و وظایف زن و مرد در خانواده به صورت کمی و کیفی مورد بررسی قرار گیرد. لازم است دانشگاهیان نسبت به آموزش نقش، وظایف و حقوق زن و مرد در خانواده حساس شوند و ارتقاء آگاهی زوج های ایرانی را از جمله برنامه های خود قرار دهند. این مطالعه به عنوان راهگشای مطالعات آتی می تواند ذهن دست اندرکاران سلامت و جامعه شناسان و قانون گذاران را به تدوین و اجرای برنامه هایی برای پیشگیری از خشونت خانگی با آموزش زوجین در باره ی حقوق زن، نقش و وظایف زناشویی حساس کند.

تشکر و قدردانی

از تمامی شرکت کنندگان در پژوهش حاضر کمال تشکر و قدردانی می گردد. مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهشی مصوب دانشگاه علوم پزشکی ایران و دارای کد کمیته اخلاق IR.IUMS.REC.1396.30609 از کمیته اخلاق دانشگاه علوم پزشکی ایران است.

تعارض در منافع

نویسندگان اظهار می دارند هیچ گونه تعارض منافی در مورد این مقاله وجود ندارد.

REFERENCES

1. World Health Organization, definition and typology of violence. Available from: <http://www.who.int/violenceprevention/approach/definition/en/> [cited 9/17/2018]
2. World Health Organization. Understanding and addressing violence against women: intimate partner violence. 2012
3. Masoumi Sh, Kaviani SZ. The relationship between spouse abuses and mental health in women victims of domestic violence referring to forensic medicine in Shiraz. Journal of Society Health and Training. 2014; 1(3):51-57.

4. Ahmadi A, Mohamadianm G, Bagheri Yazdi B, Shojaezadeh SA. Impact of domestic violence on mental health of married women in Tehran. *Journal of Health School and Institute for Health Research*. 2003; 2(2):35-44.
5. Bagherzade R, Keshavarz T, Sharif F, Dehbashi S, Tabatabaee SH. The relationship between domestic violence and pregnancy complications, childbirth type and weight in birthday in women who are hospitalized in ward after delivery in educational hospitals affiliated to Shiraz University of Medical Sciences. *Knowledge Horizon*. 2007;13(4): 51-58.
6. Ellsberg M, Jansen HA, Heise L, Watts CH, Garcia-Moreno C. Intimate partner violence and women's physical and mental health in the WHO multi-country study on women's health and domestic violence: an observational study. *The Lancet*. 2008;371(9619):1165-72.
7. Igelman RS, Geffner R, Zellner J. The effects of intimate partner violence on children. *Routledge*. 2014;18(3):23-25.
8. Taherkhani S, Mirmohammad Aliee M, Kazemnejad A, Arbabi M, Amel Valizadeh M. Domestic violence against women and its relationship with couples' characteristics. *Forensic Medicine*. 2009; 15(2):123-129.
9. Hasanzade Ozghadi SB, Simbor Kermani M. Domestic violence against women: review of theories, its outbreak and effective factors. *School of Nursery and Midwifery of Shahid Beheshti*. 2011;21(3):44-52.
10. 20% increase in domestic violence. *Irena News*. 2018 Apr 24; news code: 8289552 (6476321). Available from: <http://www.irna.ir/fa/News/82895552> [cited 9/17/2018]
11. Atefvahid M, Ghahari Sh, Zeraeadoost E, Bolhari J, Karimi I. Role of demographic and psychological features in prediction of violence in victims of spouse abuse in Tehran. *Journal of Clinical Psychology and Psychiatry of Iran*. 2010; 16(4):403-411.
12. Saghafi SM, Abedi Kooshalshah Gh. Sociological study of factors affecting violence of husbands against wives in family (case study: married women in Langerood). *Iran's Sociological Studies*. 2013;3(11): 25-40.
13. Shorey RC, Febres J, Brasfield H, Stuart GL. The prevalence of mental health problems in men arrested for domestic violence. *Journal of Family Violence*. 2012;27(8):741-8.
14. Kar M. Study of violence against women in Iran, Tehran, third edition, *Women Studies*. 2008
15. Adadu P, Egbe AO, Undie JU. Gender Perception, Female Downgrading and Domestic Violence among Married Couples in Cross River State, Nigeria. *Mediterranean Journal of Social Sciences*. 2015;6(6):423.
16. Abolhasan Tanhaee, H., Panahi, M. Study of the attitude toward equality between man and woman and its effect on familial relationships. *Sociology*. 2009;5(3): 9-33 .
17. Hassan EE, Seedhom AE, Mahfouz EM. Men's Perception of Domestic Violence, Rural Minia, Egypt. *Open Journal of Preventive Medicine*. 2016;6(02):106.
18. Sumbadze N. study of the perception and attitudes towards Violence against women and domestic violence in Tbilist, Kakheti and Samegrelo-zemo Svaneti region of Georgia (2013), Institute for Policy Studies. Nov 2014. Available from: <http://georgia.unwomen.org/en/digital-library/publications/2014/11/perception-of-violence-against-women-and-domestic-violence-in-tbilisi> [cited 9/17/2018]
19. Mohammadi F, Mirzaee R. Social factors affecting violence against women (Ravansar Province). *Journal of Social Studies in Iran* 2012;1(17).
20. Salarifar M. Determining reasons and fields for domestic violence, *Islam and Psychological Studies*. 2009;3(4): 7-41.
21. Douki S, Nacef F, Belhadj A, Bouasker A, Ghachem R. Violence against women in Arab and Islamic countries. *Archives of Women's Mental Health*. 2003;6(3):165-71.
22. Islamic Republic of Iran. The Civil Code of the Islamic Republic of Iran. 1928-05
23. Rahkar Farshi M, Valizadeh L, Zamanzadeh V, Rssouli M, Lopez V, Cleary M. Perceptions of Iranian parents towards the paternal role in raising adolescent children. *Nursing & Health Sciences*. Dec 2018;20(4):479-85.
24. Chesters J. Gender attitudes and housework: Trends over time in Australia. *Journal of Comparative Family Studies*. Jul 2012;43(4):511-26.

25. Bendall C. The domestic violence epidemic in South Africa: legal and practical remedies. *Women's Studies*. 2010;39(2):100-18.
26. Tracy SR. Patriarchy and domestic violence: Challenging common misconceptions. *Journal of the Evangelical Theological Society*. 2007;50(3):573.
27. Ozaki R, Otis MD. Gender equality, patriarchal cultural norms, and perpetration of intimate partner violence: Comparison of male university students in Asian and European cultural contexts. *Violence Against Women*. 2017;23(9):1076-99.
28. Mohseni Tabrizi A, Koldi A, Javadianzadeh, M. Study of domestic violence in married women referring to forensic medicine and welfare centers in Yazd during 2010. 2012;3(11): 11-24.
29. Zare Shahabadi A, Nadrpoor Y. The relationship between patriarchy and domestic violence against women in Koohdasht. *Social Welfare*. 2016;16(60), 61-86 .
30. Shariari A, Khalili M, Akbari]H. Factors affecting awareness of fundamental rights of sample study: Students of Ferdowsi University of Mashhad. *Applied Sociology*. 2016;27(3): 147-168